

پس از پر کردن فرمها دوباره خدمت همان آقا رسیده

و گفتم :

www.KetabFarsi.com

- بفرمائید .

- بسیار خوب حالا پیش رئیس اداره راهنمایی و

رانندگی برین ..

- وای که بیچاره شدم .

- ببینم اولین باریست که مراجعه می کنید؟

- بله قربان .

- معلومه . . . هر کس که کت شمارا به بینه پی باین

مطلب میبره .

پس از گرفتن پوشه دوی ماراتن، من شروع شد و برای

انجام کارم از اطاقی باطاقی و از میزی بمیزی میرفتم .

- سابقه محکومیت نداری ؟

- نخیر قربان .

- پس بده اون اطاق بنویسند سابقه نداری .

- بفرمائید اینهم عدم سوء پیشینه .

- خوب حالا برو بکلانتری مربوطه تا گواهی کنند در

همان آدرسی که زیر این ورقه نوشتی اقامت داری .

باعجله سوار تا کسی شده بکلانتری محله مان رفتم . آقای

کلانتر پرسید :

- کاری داشتید؟

- خدمتتان رسیدم که گواهی بفرمائید بنده در همین آدرس

ساکن هستم .

- بیاچه که تو ساکنی یا ساکن نیستی؟

- درسته قربان ولی اینو اداره راهنمایی و رانندگی

- حالا که وقت تحقیقات محلی نداریم. تو اوراق مربوطه را بده و ۱۵ روزدیگه بیا ببینم چی میکنی.
- چشم قربان.

پرونده من روز بروز قطور تر میشد تا اینکه برای تشریفات مخصوص جهت صحت مزاج بیکی از بیمارستانهای دولتی مراجعه کردم. اتفاقاً در این بیمارستان فوراً بکارم رسیدگی کردند. البته من ۲۰ لیره ای بابت پول چائی بدربان بیمارستان دادم تا مرا نیز جزء نفراتی که میبایست همان روز مورد معاینه قرار گیرند قرار دهد.

منو وعده دیگری از هموطنانم مدتی بانتظار ایستادیم تا اینکه دکتر بیمارستانها ما را بحضور پذیرفت من نیز مانند ۳۰- ۴۰ نفری که در آنجا اجتماع کرده بودیم باعجله وارد سالن بزرگی که دکتر در آنجا نشسته بود شدیم. دکتر پرسید:
- در بین شماها کسی هست که ناراحتی قلبی داشته باشه؟

یک دل و یک زبان فریاد زدیم:

- نخیر قربان.

- ناراحتی معده چطور؟

- نخیر قربان.

پس از معاینه دکتر عمومی نوبت بدکتر اعصاب رسید:
دکتر اعصاب فریاد زد:

- سه مرتبه بشینید و پاشین.

پس از این نشست و برخاست دکتر امراض عصبی نیز مانند دکتر داخلی و وضع ما را عادی دانسته ورقه های مربوطه را امضاء کرد.

پس از دکتر اعصاب پیش دکتر چشم و گوش رفتیم. پزشک

بیماریهای چشم پرسید:

- این چه رنگی است؟

- آبی!

- این یکی؟

- زرده قربان.

- اگر کوری بین شماها هست بگه .

پس از این معاینه ازما آزمایش ادرار و مدفوع، آزمایش
R H ، سنگ کلیه، سنگ مثانه و چند آزمایش دیگر کرده
اوراقمان را تکمیل کرده و دستور دادند تا فردا مراجعه کنیم.

فردا صبح هر يك از ماها اوراقی از قبیل: گواهی دریافت
حق اولاد، مدد معاش، رونوشت اجاره نامه و چند گواهی دیگر
نیز پیرونده خود اضافه کردیم.

خدارا هزار مرتبه شکر که پس از يك ماه و اندی دوندگی
کارهای مقدماتی را تمام کردم ولی جنگ اصلی ما از چند روز
دیگر آغاز میشود.

از این لحاظ در حیاط خانه مان بچهها را بردیف کرده
بازدن کلهام با آنها تمرین می کنم و میخواهم بدین وسیله آمادگی
بیشتر داشته بتوانم هر چه زودتر کارهای اصلی را نیز تمام کنم.